

## معرفی شیوه‌های تحلیل یادداشتهای خودکشی و بررسی موردی چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی

اعظم استاجی (دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ۲۰۲-۱۷۷

### چکیده:

یادداشت خودکشی عبارت از هر نوع متنی است که فرد قبل از خودکشی یا قبل از اقدام به خودکشی از خود به جای می‌گذارد. این متون از سوی زبانشناسان، روانشناسان، حقوقدانان و ... از وجوه مختلف مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا به درک بهتری از پدیده خودکشی کمک کنند. بخش اول این مقاله به مرور شیوه‌های مختلف تحلیل این یادداشتهای و راههای متمایز کردن متون واقعی از جعلی می‌پردازد. در ادامه براساس شیوه تحلیل پراکفیوا (۲۰۱۳) چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی به صورت کیفی تحلیل می‌شود. پراکفیوا بیان می‌دارد در یادداشت‌های خودکشی واقعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخی به این سوال است که چرا خودکشی اتفاق افتاده است. بعلاوه واپسین احساسات قبل از خودکشی نیز در یادداشتهای بیان شده است. از سوی دیگر در یادداشت‌های خودکشی ساختار روشن و مشخصی که شامل اجزاء زیر است، دیده می‌شود: الف- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص) ب- مقدمه (بیان دلیل خودکشی) ج- اوج/ بدنه (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی) د- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین). تحلیل نمونه یادداشتهای کوتاه فارسی نشان می‌دهد هرچند یادداشتهای خیلی کوتاهاند و بین ۵ تا ۱۸ واژه طول دارند، بازهم با صراحت علت خودکشی و آخرین احساسات نویسنده را بیان کرده‌اند (یادداشت اول بیانگر حس خشم و سرزنش، یادداشت دوم بیانگر حس آسودگی و

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

پست الکترونیکی:

۱. estajiz@yahoo.com

بخشش، یادداشت چهارم بیانگر تنفر و خشم است). از نظر وجود اجزاء چهارگانه تنها بخشی که در یادداشت اول دیده می‌شود بخش مقدمه یا بیان دلیل خودکشی است که با توجه به کوتاه بودن متن نمی‌توان انتظار داشت دیگر اجزاء نیز حاضر باشند. در یادداشتهای دوم تا چهارم سه جزء از چهار جزء دیده می‌شوند. مولفه ای که در هر چهار یادداشت حاضر است ذکر دلیل خودکشی است. در پایان، بر ضرورت ایجاد پیکره ای از یادداشتهای خودکشی در ایران برای هر نوع مطالعه ای در این زمینه تاکید می‌شود.

کلید واژه ها: یادداشت خودکشی، تحلیل محتوی، تحلیل کیفی، دلیل خودکشی

#### ۱- مقدمه

بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۲، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است سالانه ۸۰۰ هزار نفر در سراسر دنیا خودکشی می‌کنند. این رقم هم اکنون به یک میلیون نفر رسیده است. بر اساس آمار پزشکی قانونی آمار خودکشی در ایران سالانه پنج هزار نفر است. تمام گروه‌های سنی هنگام خودکشی بین ۱۰٪ تا ۴۳٪ موارد یادداشتی از خود به جا می‌گذارند. این یادداشت‌ها از بعد حقوقی، جامعه‌شناختی و روانشناختی (جهت پیش‌بینی و مداخله و همچنین کمک به التیام بازماندگان از طریق درک علت خودکشی و پذیرش آن از سوی بازماندگان) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. از بعد زبان‌شناسی حقوقی این یادداشت‌ها به عنوان متن مشکوک مورد توجه قرار گرفته‌اند. لازم به توضیح است که متون مشکوک متونی هستند که به عنوان سند و مدرک در تحقیقات قانونی از جنبه‌های مختلفی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این متون می‌توانند به شکل یک نامه مکتوب یا یک متن الکترونیکی باشند یا به صورت گفتاری (مثلاً در قالب یک پیام ضبط شده) تجلی یابند.

متون مشکوک را می‌توان به انواع مختلفی تقسیم کرد و ویژگیهای بارز هر دسته را مشخص ساخت. در بررسی متون مشکوک چند سؤال عمده مطرح می‌شود: نویسنده متن کیست؟ هر نوع متن چه ویژگیهای شاخصی دارد و آیا با تکیه بر این ویژگیهای شاخص می‌توان گفت یک متن ساختگی است یا اصلی؟ آیا بخشهایی از متن دستکاری شده است یا خیر؟

۱. اصطلاح "متون مشکوک" در برابر ترکیب forensic texts به کار رفته است.

در این مقاله به طور خاص به بررسی یادداشتهای خودکشی به عنوان متن مشکوک می پردازیم. با توجه به این که در پرونده های خودکشی احتمال قتل نیز وجود دارد، تحلیل یادداشتهای خودکشی و تشخیص نویسنده ی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در ادامه پس از مروری بر پیشینه تحقیقات صورت گرفته در مورد یادداشتهای خودکشی، به ارائه دو نمونه در زبان فارسی و تحلیل ابعاد زبانی آنها میپردازیم.

## ۲- مروری بر پیشینه پژوهش

دورکیم خودکشی را چنین تعریف کرده است: "اصطلاح خودکشی به مرگهایی اطلاق می-شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از عمل مثبت یا منفی فردی است که می داند انجام این عمل منجر به مرگ وی می شود." خودکشی اقدامی پرخاشگراانه است که ناشی از ناکامی می باشد. به عبارت دیگر خودکشی به عنوان نتیجه نهایی پرخاشگری است که از درون بر ضد خود جهت گیری شده است. رُز علل اقدام به خودکشی را اختلالات روانپزشکی (افسردگی، اعتیاد)، مسائل اجتماعی و ابعاد فیزیکی یا فیزیولوژیکی می داند. عواملی چون جنس، سن، مذهب، وضعیت تأهل، شغل، نژاد، شرایط اقلیمی و شرایط جسمی و روانی نیز بر بروز و شیوع خودکشی مؤثر است (مرادی و خادمی، ۱۳۸۱).

مرادی و خادمی (همان) به بررسی وضعیت خودکشی های منجر به مرگ در ایران و مقایسه آن با نرخهای جهانی پرداخته اند. به بیان آنها در بسیاری از کشورها میزان مرگ ناشی از خودکشی به مراتب بیشتر از مرگ ناشی از تصادفات است. در سال ۱۳۸۰ میزان مرگ ناشی از خودکشی ۵/۷ به ازای هر ۱۰۰ هزار مرد و ۳/۱ به ازای هر ۱۰۰ هزار زن بوده است. این رقم در سال ۲۰۱۲ بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی به ۵/۲ رسیده است. اما طبق محاسبات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱ این رقم ۳/۳ است. هر چند میزان خودکشی در مردان و زنان در ایران از اکثر کشورهای دنیا به ویژه جوامع غربی پایین تر است اما در منطقه خاورمیانه در رده بالایی قرار گرفته است. علاوه بر این، در سایر کشورها میزان خودکشی در سنین بالای هفتاد سال بیشتر است، در حالی که در ایران میانگین سنی افرادی که خودکشی یا اقدام به خودکشی می کنند کمتر از سی سال است (به نقل از ایسنا).

البته باید توجه داشت که با توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ایران این آمارها در بیشتر موارد از حد واقعی کمتر است.

همان‌طور که ذکر شد، درصد کمی از کسانی که دست به خودکشی می‌زنند یادداشتی از خود به جای می‌گذارند. این یادداشتها از سوی روانشناسان، مراجع قضایی (برای تشخیص قتل از خودکشی) و زبان‌شناسان مورد تحلیل‌های زیادی قرار گرفته‌اند. تحلیل یادداشتهای خودکشی معمولاً دو هدف عمده را دنبال می‌کند: ۱) تعیین نویسنده یادداشت جهت تشخیص واقعی یا ساختگی بودن آن. ۲) در مواردی که نویسنده‌ی متن شناخته شده است، به ویژه در مورد کسانی که تنها اقدام به خودکشی کرده‌اند با تحلیل محتوای این متون تلاش می‌شود میزان خطر اقدام به خودکشی دوباره برآورد شود. این‌گونه تحلیلها بیشتر توسط روانشناسان انجام می‌گیرند. علاوه بر اینها، با تحلیل محتوای خاطرات روزانه افرادی که خودکشی کرده‌اند می‌توان دریافت چگونه هر چه زمان خودکشی نزدیکتر می‌گردد الگوهای زبانی تغییر می‌کنند. در این بررسیها می‌توان نشان داد چگونه الگوهای زبانی، فرآیندهای روانی دخیل در خودکشی را منعکس می‌کنند.

در این قسمت به مرور پژوهشهایی می‌پردازیم که بیشتر به بررسی ابعاد زبانی یادداشتهای توجه داشته‌اند. اشنایدمن<sup>۲</sup> در اواخر دهه ۴۰ مجموعه‌ای از یادداشتهای خودکشی را گردآوری کرده بود که مبنای بسیاری از تحقیقات بعدی شد. اشنایدمن و فاربرو<sup>۳</sup> (۱۹۵۷) اثری است که بسیار به آن ارجاع داده می‌شود. در این اثر ۳۳ یادداشت واقعی و ۳۳ یادداشت ساختگی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. (این ۶۶ یادداشت در پژوهشهای بعدی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند.) تحلیل این یادداشتهای مبتنی بر مقایسه واحدهای فکری‌ای بود که (مستقل از تعداد واژه‌ها) در متن ظاهر می‌شد و در واقع نوعی تحلیل گفتمان بود. این واحدها از این نظر که بیانگر ناراحتی، آسودگی یا هیچ‌یک (خنثی) بودند دسته‌بندی می‌شدند. نتایج تحلیل آنها نشان داد یادداشتهای واقعی واحدهای فکری بیشتری داشتند و مقوله ناراحتی در آنها شدیدتر بود.

ازگود و واکر<sup>۴</sup> (۱۹۵۹) تحلیل یادداشتهای را با چهار فرضیه شروع کردند: ۱- یادداشتهای خودکشی ساختاری کلیشه‌ای دارند. ۲- مقولات انتقاد، تقاضا و درخواست در آنها بسامد بیشتری دارند. ۳- واژه‌های متناقض بیشتری دارند. ۴- ساختار در هم ریخته‌ای دارند. نتایج تحلیل آنها سه فرضیه اول را تایید و فرضیه آخر را رد کرد.

---

۲ Shneidman

۳ Farberow

۴ Osgood & Walker

علاوه بر اینها از برنامه های کامپیوتری نیز برای تحلیل یادداشتهای استفاده شده است. اولین تلاش در این زمینه در سال ۱۹۶۶ صورت گرفت که با استفاده از نرم افزار و رجوع به یک واژه نامه روانشناختی - جامعه شناختی ۶۶ یادداشت مذکور مورد تحلیل محتوی قرار گرفت. این تحلیل در واقع نوعی برچسب زنی معنایی بود (به نقل از شاپرو، ۲۰۱۱).

در ادامه این شیوه ی تحلیل، پستین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند الگوریتم های یادگیری ماشین با دقت ۷۸٪ قادر به تشخیص یادداشتهای واقعی از ساختگی بودند.

از سوی دیگر با تکیه بر نظریه های روانشناسی ای که در مورد خودکشی ارائه شده است، تحلیل زبانی متون خودکشی صورت گرفته است تا چگونگی تحقق زبانی مقولات روانشناسی در آنها بررسی شود. یکی از مهمترین نظریه های روانشناسی که در مورد خودکشی ارائه شده است نظریه بینافردی خودکشی<sup>۲</sup> جوینر (۲۰۰۵) است. جوینر در نظریه بینافردی خودکشی (ITS) سه سازه اصلی را برای توضیح رفتار خودکشی شناسایی می کند. بر اساس این مدل تمایل به پایان دادن زندگی خود به وجود دو عامل بینافردی بستگی دارد: احساس سرشار بودن و احساس عدم تعلق به هیچ گروهی. تعامل این دو عامل با عامل سوم، یعنی توانایی اکتسابی انجام خودکشی، شخص را در معرض خطر اقدام به خودکشی قرار می دهد. اگر این نظریه را بخواهیم بیشتر بسط دهیم احساس سرشار بودن شامل دو معیار می گردد: ۱) شخص آنقدر ناکارآمد یا ناقص است که سرشار دیگران می گردد ۲) درک احساس تنفر نسبت به خود. نشانگرهای این دو معیار می تواند عزت نفس پایین، احساس گناه یا شرمندگی و حالت آشفتگی روحی باشد.

احساس عدم تعلق نیز سازه ای چند وجهی است که نه تنها شامل احساس تنهایی می شود بلکه عدم دریافت حمایت از سوی جامعه را نیز در بر می گیرد و سرانجام توانایی اکتسابی خودکشی یعنی تجربه های زندگی فرد به تدریج باعث کاهش ترس از مرگ و افزایش تحمل درد فیزیکی می گردد.

---

۱Pestian

۲Shapero

۳interactional theory of suicide (ITS)

معمولا برای بررسی این که این سه سازه چگونه در یادداشتهای نمود زبانی می‌یابند از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه‌ها"<sup>۸</sup> استفاده می‌شود. برنامه مذکور متن مکتوب را واژه به واژه تحلیل می‌کند و با در نظر گرفتن ۷۲ مقوله‌ی معنایی ای که برای آن تعریف شده، درصد کاربرد واژه‌ها را مشخص می‌کند. از این برنامه تاکنون برای تحلیل متون زیادی استفاده شده است. در این قسمت به برخی از این پژوهشها اشاره می‌کنیم.

هندلمن و لستر<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) با استفاده از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه‌ها" به بررسی محتوای یادداشتهای خودکشی افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند و افرادی که موفق به خودکشی شده‌اند پرداخته‌اند. نتایج تحلیل آنها نشان داد یادداشتهای مربوط به خودکشیهای موفق نسبت به خودکشیهای ناموفق ارجاع متافیزیکی کمتری داشتند، افعال زمان آینده بیشتری داشتند، همچنین ارجاع اجتماعی (به دیگران) و احساسات مثبت بیشتری داشتند.

ویلیامز<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۶) نظریه جوینر (۲۰۰۵) را درباره خودکشی مورد آزمون قرار داد. همان طور که ذکر شد، به نظر جوینر احساس تعلق (به دیگران) و احساس سربار بودن (برای زندگی دیگران) دو عامل مؤثر بر خودکشی هستند. این دو احساس را می‌توان از طریق نمود زبانی آنها مورد ارزیابی قرار داد. صورتهای اول شخص مفرد من / مال من و اول شخص جمع ما / مال ما می‌توانند نشانگر میزان تعلق باشند.

ویلیامز (۲۰۰۶) با تحلیل خاطرات و یادداشت خودکشی کورت کوپین موسیقی‌دان و همچنین تحلیل نامه‌های شخص دیگری که خودکشی کرده بود دریافت که مقولات زبانی مربوط به «مذهب، قطعیت، خوش بینی» هرچه مرگ نزدیکتر می‌شد، افزایش می‌یافت. (کاربرد این مقولات در گروه کنترل افزایشی نداشت) وی این نتایج را محصول این دانست که نزدیک شدن به مرگ تفکر بیشتر درباره جنبه‌های مذهبی یا روحانی خودکشیو همچنین احساس توانایی و قدرت انجام خودکشی را به همراه می‌آورد.

۱- Linguistic Inquiry and Word Count: برنامه نرم‌افزاری تحلیل محتوا است که برای تحلیل مقولات معنایی ای که از طریق واژه نمود می‌یابند به کار می‌رود. با این حال این برنامه، تأثیرات بافتی یا معانی چندگانه در بافت را در نظر نمی‌گیرد. دسته‌بندی واژه‌ها مبتنی بر مدل‌های احتمالاتی کاربرد زبان است و بنابراین در مورد واژه‌های بیشتر قابل اعتمادتر است.

۹ Hendelman & Lester

۳. □□□□□□□□

ویلیامز همچنین به دنبال یافتن الگوی زبانی نشانگر «احساس سربار بودن» یا «احساس عدم تعلق» در متون بود. وی دریافت که احساس عدم تعلق رابطه مثبت با نشانگرهای عواطف مثبت و رابطه منفی با نشانگرهای عواطف منفی داشت، درحالی که احساس سربار بودن با هر دو دسته عواطف رابطه مثبت داشت.

تحلیلهای ویلیامز همچنین نشان داد میزان ارجاع به خود، نشانگرهای علی (چون، زیرا) و ارجاع به دیگران در یادداشتهای خودکشی می تواند خودکشی های موفق و اقدام به خودکشی را از یکدیگر متمایز سازد. وی بر امکانات و مزایای استفاده از تحلیلهای زبانی برای شناسایی کسانی که اقدام به خودکشی خواهند کرد، تأکید می کند.

در بررسی نقش میزان احساس تعلق، استیرمن و پن بیکر (۲۰۰۱، به نقل از ویلیامز ۲۰۰۶) با استفاده از برنامه "جستجوی زبانی و شمارش واژه ها" به مقایسه اشعار شاعرانی پرداختند که به علت خودکشی جان خود را از دست داده بودند و شاعرانی که به عنوان گروه کنترل مرتکب خودکشی نشده بودند. (این دسته تا حد امکان از نظر ملیت، سن، جنس، میزان تحصیلات و... با گروه خودکشی مطابقت داده شدند). شاعران گروه خودکشی از صورت اول شخص مفرد بیشتر استفاده کرده بودند. این نشانگر تمرکز فزاینده ای بر خود بود. ضماین جمع نیز در متون این افراد به کار رفته بود، اما شاعران مذکور این ضماین را در آغاز و میانه زندگی کاری خود بیشتر به کار برده بودند، در حالی که در مرحله پایانی زندگی کاری آنها کاربرد این ضماین ناگهان کاهش یافته بود. این کاهش کاربرد ضماین جمع می توانست نشانگر کاهش همسانی و انسجام با شبکه های جمعی اجتماعی یا به بیانی دیگر نشانگر کاهش احساس تعلق (به جمع) باشد.

جوینر و همکاران (۲۰۰۲ به نقل از همان) نیز با بررسی شاخصهای احساس سربار بودن در یادداشتهای خودکشی دریافتند کسانی که موفق به خودکشی شده اند نسبت به کسانی که اقدام به خودکشی کرده بودند سطوح بالاتری از احساس سربار بودن داشتند.

علاوه بر آن، این نکته قابل ذکر است که احساس تعلق، در رویارویی با تراژدیها افزایش می یابد. پس از مرگ پرنسس دایانا زبان به کار رفته در اتاقهای گفتگوی اینترنت الگوی جالبی را نشان می داد. به مدت یک هفته کاربرد صورتهای اول شخص جمع تا ۳۵٪ افزایش یافت و کاربرد صورتهای اول شخص مفرد تا ۱۲٪ کاهش یافت. بعد از ۱۰ روز کاربرد ضماین به

صورت متداول خود بازگشت. این تغییر در شیوه نگارش نشان می‌دهد چگونه مردم بعد از تراژدی‌های ملی به سمت یکدیگر کشیده می‌شوند (جوینر ۲۰۰۵). نظریه جوینر بیان می‌دارد بعد از تراژدی‌های ملی نرخ خودکشیها کاهش می‌یابد زیرا مردم به سمت یکدیگر کشیده می‌شوند، بنابراین احساس تعلق بیشتری را تجربه می‌کنند. کسانی که با خودکشی می‌میرند باید سطوح احساس تعلق پایین‌تر و احساس سربار بودن بیشتری را در نوشته‌های خود نشان دهند. پیش‌بینی می‌شود هر چه افراد به خودکشی نزدیکتر می‌شوند شاخص احساس تعلق باید تغییر یابد؛ به ویژه کاربرد ضمیر اول شخص مفرد باید افزایش یابد و کاربرد ضمیر اول شخص جمع کاهش یابد.

فرناندز-کابانا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵) نیز با استفاده از برنامه جستجوی زبانی و شمارش واژه‌ها به تحلیل ۸۰ یادداشت خودکشی به زبان اسپانیایی پرداختند. تحلیل آن‌ها نتایج زیر را نشان داد:

در تحلیل‌های زبانی یادداشت‌ها، کاربرد بیشتر واژه‌های مربوط به مقوله «انسان» در یادداشت‌های زنان می‌توانست نشانگر این نکته باشد که زنان تمایل بیشتری به بیان مسائل روانی و اجتماعی دارند.

زبان به کار رفته در یادداشت‌های جوان‌ترها میزان بیشتری از واژه‌های مربوط به "احساسات مثبت و عواطف" داشت. کاربرد واژه‌های احساسی بیانگر غرغری بیشتر در متن است و کاربرد زمان حال نزدیکی و گرمی را منتقل می‌کند. کاربرد بیشتر واژه‌های مربوط به مقوله «مکانیسم‌های شناختی» نشانگر تأمل و تمرکز بیشتر بر معنای ژرف موضوع خودکشی است. در مقابل زبان به کار رفته در یادداشت‌های مسن‌ترها جزئی‌تر و دقیق‌تر بود، همراه با کاربرد بیشتر ادات دستوری، واژه‌های طولانی و تمرکز بیشتر بر موضوعات خاص (مثل پول و شغل). این متون نشانگرهای ارتباط اجتماعی و همبستگی کمتری نیز داشتند.

از نظر سازه‌های مرتبط با "نظریه بینافردی خودکشی" نیز متون مورد بررسی قرار گرفتند، یادداشت‌هایی که هر سه سازه را داشتند طولانی‌تر بودند. یادداشت‌هایی که سازه عدم تعلق را نشان می‌دادند از ضمیر دوم شخص مفرد و اول شخص جمع بیشتر استفاده می‌کردند. همچنین واژه‌های مربوط به مقوله "انسان و احساسات منفی" در آن‌ها بیشتر بود. بنابراین، این



یادداشت‌ها بیشتر به مشکلاتی که نویسنده با افرادی خاص یا با افرادی که برای وی مهم بودند، اشاره داشتند.

از سوی دیگر، یادداشت‌هایی که عامل «احساس سربار بودن» را در خود داشتند، میزان بیشتری از واژه‌های مربوط به مقولات «علیت»، «خوش بینی» و «موفقیت» داشتند. این یادداشت‌ها بیشتر بر توضیح دلایل خودکشی و مزایای آن برای بازماندگان تمرکز داشتند. یادداشت‌های خودکشی همچنین با رویکردی کیفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا نشانه‌های عوامل بینافردی خودکشی شناسایی شوند. در همین راستا یادداشت‌های مربوط به اقدام به خودکشی و خودکشی‌های موفق بایکدیگر مقایسه شدند و مشخص شد «احساس سربار بودن» تنها با خودکشی‌های موفق و انتخاب مرگبارترین شیوه‌ها رابطه داشت (فرناندز-کابانا و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر، گان<sup>۱</sup> و همکاران (به نقل از همان) با تحلیل کیفی ۲۶۱ یادداشت نشان دادند که عامل «احساس عدم تعلق» در ۳۰/۷٪ از یادداشت‌ها دیده می‌شد (که در جوانان نسبت به مسن‌ترها بسامد بیشتری داشت) و عامل «احساس سربار بودن» در ۱۰/۳٪ آن‌ها دیده می‌شد (که در زنان نسبت به مردان بیشتر بود). هر دوی عوامل تنها در ۱۱ یادداشت مورد تحلیل یعنی ۴/۲٪ موارد دیده شد.

علاوه بر این موارد، تحلیل دیگری از ۶۶۴ یادداشت خودکشی موفق یا اقدام به آن عامل احساس عدم تعلق را در ۴۲/۵٪ آن‌ها نشان داد. احساس سربار بودن در ۱۵/۵ درصد و هر دوی این عوامل در ۹/۵٪ یادداشت‌ها دیده شد. لازم به ذکر است بیشتر یادداشت‌های مورد تحلیل به زبان انگلیسی بودند.

پراکفیوا (۲۰۱۳)<sup>۳</sup> اثر خود با نام "کاربرد زبان در دو نوع متن خودکشی" با تاکید بیشتری بر مقولات زبانی به بررسی ساختار متن، ویژگی‌های دستوری و علائم نگارشی در متون خودکشی واقعی و پست‌هایی که در فضای مجازی خودکشی را اعلام می‌کنند می‌پردازد و نشان می‌دهد در یادداشت‌های واقعی عموماً دلیل روشن خودکشی و احساسات همراه آن در متن یادداشت ذکر شده است. این احساسات شامل ترس از زندگی، احساس آسودگی،

<sup>۱</sup> Gunn et al.

<sup>۳</sup> Prokofyeva

داشتن امید و عدم تردید است. او در تحلیل خود به پژوهش چاسکی و هادل (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که معتقدند یادداشتهای خودکشی همزمان ویژگی‌های خاص دیگر انواع متون را دارند. این متون عبارتند از: متن عذرخواهی، متن عاشقانه، متن خشم آلود، متن گله و شکایت، متن تجاری و متن روایت یک رویداد تلخ. البته هر یادداستی شامل همه‌ی این چارچوبهای متنی نمی‌شود و ممکن است همزمان ویژگیهای یک تا چهار نوع متن را داشته باشد و نه بیشتر. به بیان پراکفیوا هر چه متن یادداشت طولانی‌تر باشد، احتمال ظهور همزمان چند چارچوب متنی بیشتر است. در واقع هر کدام از این چارچوب‌ها بیانگر نوع احساساتی است که در یادداشت منعکس شده است.

پراکفیوا بیان می‌دارد در یادداشت‌های خودکشی واقعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخ به این پرسش است که چرا؟ گو این که هدف نویسنده‌ی یادداشت توضیح علت خودکشی و بیان واپسین احساسات قبل از خودکشی است. بیان خشم یا سرزنش بخشی از این احساسات است. همیشه کسی یا چیزی در رابطه با خودکشی مورد سرزنش قرار می‌گیرد. ابراز خشم نسبت به افرادی که باعث خودکشی قلمداد می‌گردند، نیز به چشم می‌خورد.

یکی از دیگر احساساتی که در یادداشت‌ها دیده می‌شود بیان عدم تردید نسبت به عملی کردن خودکشی است. به بیان وی این عدم تردید با استفاده از فعل زمان گذشته برای بیان افعال و احساسات نشان داده می‌شود. استفاده از فعل زمان گذشته آمیخته با زمان حال نشان می‌دهد این افراد طوری می‌نویسند گویا از هم اکنون دنیا را ترک کرده‌اند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه این افراد مدت زیادی به خودکشی فکر کرده‌اند و یادداشت را نوشته‌اند، یادداشتهای آنها معمولاً ساختار محکم و ثابتی دارند. در بررسی پراکفیوا (۲۰۱۳) در تمام یادداشت‌ها ساختار روشن و مشخصی شامل اجزاء زیر دیده می‌شد:

- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص)

- مقدمه (بیان دلیل خودکشی)

- اوج (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی)

- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین)

تمام یادداشت های مورد بررسی وی این اجزا را داشتند. اضافه می گردد در تحلیل زمان افعال، زمان حال اغلب به آینده اشاره داشت و زمان گذشته برای اشاره به زمان حال به کار رفته بود. به بیان پراکتیوا استفاده از زمان گذشته به جای زمان حال به این صورت توضیح داده می شود که نویسنده مایل است نشان دهد از هم اکنون خود را مرده می پندارد. استفاده از زمان حال به جای آینده نیز ممکن است بیانگر این تاکید باشد که عمل خودکشی در حال حاضر انجام می گیرد و بر جدی بودن قصد خودکشی صحنه می گذارد.

مروری بر پژوهشهای پیشین نشان می دهد در مجموع دو شیوه تحلیل کیفی یا تحلیل کمی برای تحلیل یادداشتهای به کار گرفته شده است. در واقع، یکی از مباحث مهمی که در تحلیل یادداشتهای خودکشی مطرح می شود این است که شیوه های کمی مناسبترند یا شیوه های کیفی. رویکرد کمی بر ارائه تعمیمها تمرکز دارد و رویکرد کیفی بر تحلیل ژرف موارد خاص تاکید می کند. اشنا بدمن معتقد بود مطالعات کمی و کیفی باید در بررسی یادداشت های خودکشی به کار گرفته شوند، اما تاکید داشت ماهیت اندیشه نگارانه ی روش کیفی آن را مناسب ترین شیوه بررسی یادداشت های خودکشی می کند. تحلیل های کیفی یا با در نظر گرفتن بافت زندگی شخص به دنبال یافتن انگیزه های خودکشی هستند یا بر روابط بینا فردی طرح شده در یادداشت ها تمرکز دارند.

مینگر (۱۹۳۸) نیز معتقد است برای درک پدیده خودکشی باید به جای پرداختن به تحلیل های آماری و انگیزه های آگاهانه بر اهداف ناآگاهانه تمرکز کرد چرا که خودکشی عملی بسیار پیچیده، اتفاقی و تکانه ای است و بنابراین با اعداد و ارقام به راحتی قابل درک نیست.

این بخش را با ارائه نمونه ای از تحلیل کیفی یک یادداشت خودکشی که توسط السن<sup>۱۵</sup> انجام شده است به پایان می بریم. السن (۲۰۰۴: ۱۶۱-۱۶۴) نمونه زیر را به عنوان یک نمونه کلاسیک یادداشت خودکشی در زبان انگلیسی ارائه می دهد:

Dearest Mary. This is to say goodbye. I have not told you because I did not want you to worry, but I have been feeling bad for two years with my heart. I knew that if I went to a doctor I would lose my job. I think this is best for all concerned. I am in the car in the garage. Call the police but please don't come out there. I love you very much, darling.

Goodbye.

Bill

این یادداشت مختصر، موجز و دارای موضوع<sup>۱</sup> است، با این حال به نظر می‌رسد تا حدی نیز سیال و گریزان باشد. متن با عبارت *This is to say goodbye* شروع می‌شود. *This* به یادداشت خودکشی و همچنین به عمل خودکشی اشاره می‌کند. آغاز نامه بسیار روشن و شفاف است. نامه بیان می‌کند که چه مشکلی وجود دارد و همچنین این تمایل فرد را نشان می‌دهد که نمی‌خواهد پس از مرگ، همسرش وی را ببیند. در بسیاری از یادداشتهای خودکشی این احساس منتقل می‌شود که بین نویسنده و مخاطب نوعی بن بست ارتباطی وجود دارد و به نظر می‌رسد یادداشت خودکشی تنها راه غلبه بر این بن بست ارتباطی است. در یادداشتهایی که در آنها عباراتی چون "نمی‌خواستم نگرانت کنم" به کار رفته است، گاهی روشن می‌شود که نویسنده - که در اینجا ادعا می‌کند بیماری قلبی داشته است - در واقع چیزی را از مخاطب مخفی کرده است، چیزی مثل بدهی، رابطه‌ای پنهانی یا جنایتی سر به مهر.

السن نمونه کلاسیک یک نامه خودکشی را دارای ویژگیهای زبانی زیر می‌داند: متن نامه مختصر، دقیق، دارای موضوع و تا حدی گنگ است. به نظر می‌رسد که متن نامه و خودکشی یکی هستند. نامه خودکشی در حکم عمل خودکشی است. وی مشخصات دیگری را نیز برای نامه‌های خودکشی در نظر می‌گیرد: یک نامه خودکشی باید شامل یک قضیه قطعی و مسلم باشد، حتی اگر این قضیه عجیب یا نامعمول باشد. قضیه مطرح شده معمولاً به عمل خودکشی و یا به یادداشت خودکشی مربوط می‌شود. هر جا به ضرورت خودکشی اشاره شود، نامه خودکشی باید بیانگر این دیدگاه نویسنده باشد که خودکشی بهترین راه‌حل نیست بلکه تنها راه‌حل است. قضیه باید به سادگی بیان شده باشد، مبتداسازی شده باشد (اولین بند جمله یا بند مرکب باشد)، مستقیم باشد، خطاب به مخاطب باشد و به رابطه مخاطب و نویسنده مربوط شود.

نامه‌های خودکشی واقعی معمولاً کوتاه‌اند،<sup>۲</sup> غالباً کمتر از ۳۰۰ واژه‌اند. مطالب اضافی اغلب کم‌اند یا اصلاً وجود ندارند. بافت موقعیتی نامه‌های خودکشی همیشه روشن نیست و اغلب خواننده باید آن را استنتاج کند، بافت موقعیتی به ندرت مستقیماً بیان شده است؛ حتی

<sup>۱</sup> thematic

۱۷- به عنوان مثال یادداشت خودکشی صادق هدایت تنها از یازده واژه تشکیل شده است: "دیار به قیامت، ما رفتیم و دل شما را شکستیم. همین".

وقتی بافت موقعیتی مستقیماً بیان شده است خواننده نمی تواند ضرورتاً آن را به همان صورتی که هست بپذیرد.

ارائه اطلاعات اضافی در نامه های خودکشی نشانه ساختگی بودن آن است. در نامه های واقعی باید بین خطوط را خواند، چرا که در بیشتر آنها بخش اندکی از موضوع روشن است. اگر نامه خودکشی همه واقعیتهای لازم درباره بافت وقوع خودکشی را ارائه کند ساختگی است (همان).

علاوه بر اینها، در تحلیل یادداشتهای خودکشی توجه به عناصر زبانی در سطوح مختلف نیز لازم است. در قسمت بعد به این نکته بیشتر می پردازیم.

### ۳- روش شناسی

با توجه به این که هدف از ارائه این مقاله طرح اهمیت تحلیل یادداشت های خودکشی از دیدگاه زبان شناسی است، در این قسمت به دلیل محدودیتهایی که در زمان تدوین این مقاله در دسترسی به یادداشتهای خودکشی وجود داشت تنها به مطالعه موردی دو نمونه یادداشت می پردازیم. (خوشبختانه امکان دسترسی به نمونه های بیشتر فراهم شده است و در پژوهش های بعدی تحلیل جامع تری از این یادداشت ها ارائه خواهد شد.) با در نظر گرفتن این که تنها دو نمونه یادداشت مورد بررسی قرار می گیرد، طبعاً تنها امکان ارائه تحلیل کیفی وجود دارد.

همان طور که پیشتر ذکر شد، به طور کلی تحلیل کیفی دو هدف عمده دارد: ۱- جستجو برای یافتن انگیزه نوشتن یادداشت ها و ۲- تحلیل یادداشت ها به عنوان ابزار ایجاد ارتباط. در پژوهش های کیفی استفاده از شیوه "تحلیل موضوع یا محتوا" شیوه غالب است. این شیوه به نظریه خاصی وابسته نیست و به عنوان ابزاری در رویکردهای مختلف مثل تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان یا تحلیل های پدیدارشناسی به کار گرفته می شود و با دنبال کردن الگوها یا موضوعاتی که در داده ها دیده می شود انجام می گیرد. این بخش از تحلیل با توصیف سطح اول معنایی داده ها (معانی صریح و روساختی) آغاز می شود و با تفسیر داده ها (از طریق یافتن مفاهیم زیرین و مقایسه با ادبیات موجود) ادامه می یابد. در این نوع تحلیل محقق از کدهای از پیش موجود استفاده نمی کند و به شیوه ای استقرایی به پیش می رود. با این حال در تحلیل محتوا گاه نیز محققان به بررسی مقولات از پیش موجود می پردازند.

هدف از تحلیل دو یادداشت فارسی در این بخش، یافتن انگیزه نویسندگان و مبنای تحلیل دو یادداشت شیوه تحلیل پراکفیوا (۲۰۱۳) است که با استفاده از شیوه‌های تحلیل گفتمان و تحلیل مقایسه‌ای و بر اساس نظریه داده-بنیاد<sup>۸</sup> استخراج ویژگی‌های یادداشتهای خودکشی پرداخته است و مقولاتی را استخراج کرده است. از آنجا که بررسی این مقولات در یادداشت‌های خودکشی کوتاه نیز امکان‌پذیر است، از روش تحلیل وی برای بررسی یادداشتهای استفاده می‌کنیم.

یادآوری می‌شود پراکفیوا در تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که در یادداشت‌های خودکشی واقعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم علت خودکشی ذکر شده است. در واقع هر یادداشت پاسخ به این پرسش است که چرا؟ گو این که هدف نویسنده یادداشت توضیح علت خودکشی و بیان واپسین احساسات قبل از خودکشی است. از سوی دیگر، در بررسی پراکفیوا (۲۰۱۳) در تمام یادداشت‌ها ساختار روشن و مشخصی که شامل اجزاء زیر بود، دیده می‌شد:

- صورت خطابی (بیشتر اوقات وجود مخاطب خاص)
- مقدمه (بیان دلیل خودکشی)
- اوج/ بدنه (اشاره به عمل خودکشی و درخواست اقدامات بعدی)
- نتیجه یا پایان (خداحافظی یا سخنان واپسین)

بنابراین در تحلیل دو یادداشت در جستجوی آن خواهیم بود که دریابیم آیا نویسنده علت خودکشی را مشخص کرده است یا خیر، اگر واپسین احساساتش را بیان کرده است چه احساساتی را شامل می‌شود و بخشهای چهارگانه یک یادداشت در آن دیده می‌شود یا خیر. بعلاوه، به ساختار جملات و زمان افعال نیز توجه خواهیم داشت.

لازم به توضیح است که در پرونده‌های خودکشی‌ای که در اختیار نگارنده قرار گرفت، تنها در سه پرونده یادداشت خودکشی دیده می‌شد که نویسنده هر سه متن نیز زن بودند. بنا به نظر بازپرس ویژه پرونده، زنان بیشتر از مردان هنگام خودکشی یادداستی از خود برجای می‌گذاشتند. این پرونده‌ها پس از کسب مجوزهای لازم توسط بازپرس ویژه قتل در یکی از مجتمع‌های قضایی کشور در اختیار نگارنده قرار گرفت. جهت حفظ حریم شخصی افراد،

برخی از جزئیات پرونده حذف شده اند یا با تغییراتی گزارش شده‌اند. بعلاوه، با توجه به اینکه یادداشت سوم دارای جزئیات خاصی بود که امکان اشاره به آنها در این پژوهش وجود ندارد از تحلیل کنار گذاشته شد.

#### ۴- تحلیل موردی چند نمونه یادداشت کوتاه فارسی

در این قسمت به ارائه و تحلیل چند نمونه متن خودکشی کوتاه در زبان فارسی می پردازیم تا ببینیم در متون کوتاه چه مولفه هایی به کار رفته اند.

##### یادداشت اول:

یادداشت اول مربوط به پرونده مرگ زن جوانی است که با سقوط از طبقه سوم یک ساختمان خودکشی کرده بود. عبارت زیر روی یک پاره کاغذ نوشته شده بود:

##### از دست مادرشوهر و پدرشوهر

همسر این زن به دلیل قاچاق مواد مخدر زندانی بود و این زن به همراه فرزندانش در طبقه پایین منزل مسکونی پدرشوهرش زندگی می کرد. علت مرگ در این پرونده بی هیچ ابهامی خودکشی دانسته شد.

این یادداشت تنها از پنج واژه تشکیل شده است، اما با همین ۵ واژه دقیقاً علت خودکشی و احساس خشم نسبت به کسانی که به گمان زن علت خودکشی وی بوده اند بیان شده است. این عبارت فاقد فعل است و زمان ندارد. ترکیب "از دست" در ابتدای عبارت نشانگر خشم فرد نسبت به مادرشوهر و پدرشوهر و مقصر دانستن آنهاست. یک جستجوی ساده از همشینی فعلهایی که با عبارت "از دست" در زبان فارسی به کار می روند نشان می دهد این صورت بیانگر خشم و درماندگی است. به عنوان مثال ترکیبهایی همچون: از دست مادر شوهر کلافه شده ام/ذله شده ام/ به ستوه آمده ام و یا دلخور شدن، ناراحت شدن، دلگیر شدن، خون دل خوردن، خفه شدن از دست کسی و ... بیانگر ترکیباتی هستند که با عبارت مذکور همراه می شوند. بنابراین حتی اگر در این عبارت فعل هم ظاهر نشده باشد باز هم معانی مذکور منتقل می شوند.

همانطور که پراکفیوا ۲۰۱۳ اشاره کرده بود این یادداشت خودکشی نیز در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا خودکشی؟ همچنین در این یادداشت نویسنده واپسین احساسات خود را بیان می‌کند اما بسیار کوتاه و مختصر.

از آنجا که این یادداشت تنها از پنج واژه تشکیل شده است به راحتی نمی‌توان ساختار چهارگانه یک یادداشت را در آن مشخص کرد. مخاطب این یادداشت هر کسی می‌تواند باشد، بخش اصلی این یادداشت تنها ذکر دلیل خودکشی است. هیچ عبارت پایانی‌ای در یادداشت به کار نرفته است، بعلاوه به عمل خودکشی نیز اشاره نشده است.

یادداشت دوم:

این پرونده به خودکشی زنی میانسال مربوط می‌شود که بر اثر انفجار گاز در اتاقی در طبقه دوم منزل خود فوت کرده بود. در محل حادثه یادداشت زیر که با مژیک روی سطح صافی در طبقه پایین نوشته شده بود پیدا شد:

چون بدنم حس ندارد هیچ کاری بکنم خودم را  
کشتم از هیچ کس شکایتی ندارم مرا حلال کنید

در این پرونده در مورد علت مرگ ابهاماتی وجود داشت. گزارش کارشناسان آتش‌نشانی حاکی از آن بود که حریق عمدی بوده است: از آنجا که طبق صورت جلسه کشف جسد در زمان وقوع حادثه داخل اتاق محل انفجار فاقد لوله‌کشی گازی بوده و وسیله گازسوز دیگری که باعث نشت گاز به داخل اتاق گردد نیز در محل وجود نداشته است لذا بنظر هیأت کارشناسان منتخب پرونده اگر ایجاد جرقه را بصورت غیرعمدی فرض کنیم، مسلماً وارد شدن و یا انتشار گاز یا بخارات مواد اشتعالزای دیگر به داخل اتاق فوق بصورت عمدی بوده و توسط فرد یا افراد حاضر در منزل انجام شده که باعث انفجار و سوختگی متوفی گردیده است.



بنابراین، در این پرونده سؤال این بود که متوفی به قتل رسیده است یا خودکشی کرده است؟ از یک سو، چون متوفی قبلاً سابقه اقدام به خودکشی داشت و پرونده وی در مرکز درمانی مربوطه وجود داشت و همچنین با توجه به گزارش اداره تشخیص هویت درباره دستخط متوفی، فرضیه خودکشی مورد تأیید قرار می گرفت. از سوی دیگر با توجه به شرایطی که حریق رخ داده بود فرضیه قتل مورد تأیید قرار می گرفت.

لازم به ذکر است که در مورد یادداشت خودکشی متوفی تنها تحلیلی که صورت گرفته بود، مقایسه دست خط این نوشته با دیگر نوشته‌های منسوب به وی بود. اداره تشخیص هویت و آزمایشگاه در این مورد این گونه اظهار نظر کرده بود:

خطوط مندرج در یک برگ تصویر مورد ادعا متناسب به خانم [نام نام خانوادگی] با مندرجات دو جلد ... دفتر ... مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت که نتیجه بشرح ذیل اعلام می گردد:

با بررسیهای بعمل آمده خطوط مندرج در یک برگ تصویر دستنوشته مورد ادعا در مقایسه با خطوط مندرج در دو جلد دفتر ... مذکور دارای تشابهات زیادی می باشد و از ناحیه شخص واحدی تحریر گردیده است.

فرزندان متوفی فرض خودکشی را پذیرفتند و تقاضای ختم رسیدگی به پرونده را کردند. در متن برگ رضایت نامه، برخی از فرزندان از واژه قتل استفاده کرده بودند که بعداً روی آن را خط زدند یا واژه خودکشی را به متن اضافه کرده بودند، به صورت زیر:<sup>۱۹</sup>

۱- به خاطر قتل یا خودکشی مادرم از کسی شکایت ندارم و تقاضای ختم پرونده را از مراجع قضایی دارم. اظهارات خود را گواهی می نمایم.

۲- در خصوص قتل فوت مادرم از هیچ شخصی شاکی نیستم و رضایت کامل دارم

۳- در خصوص قتل خودکشی مادرم از کسی شکایت نداریم و تقاضای ختم پرونده را از مراجع قضایی را دارم اظهارات خود را گواهی می نمایم

۴- به خاطر قتل یا خودکشی مادرمان از کسی شکایتی نداریم و تقاضای ختم پرونده را خواستاریم و از کسی شکایتی نداریم والسلام

استفاده از واژه قتل و سپس تغییر آن به خودکشی نشان می‌دهد که از دید این افراد در مورد این حادثه ابهامانی وجود داشته است.

با این مقدمه، تحلیل این یادداشت را با دو فرض به پیش می‌بریم. فرض اول این که این یادداشت واقعی است. در این صورت به این موضوع می‌پردازیم که به عنوان یک یادداشت واقعی شامل چه ویژگی‌هایی می‌شود و با مقولات طرح شده در پراکفیا ۲۰۱۳ چگونه مطابقت می‌یابد. فرض دوم این است که این یادداشت غیر واقعی است؛ در این صورت به این می‌پردازیم که چه سوالاتی در رابطه با آن قابل طرح خواهد بود.

تحلیل را با فرض اول شروع می‌کنیم. این متن شامل ۱۸ واژه و سه جمله می‌باشد: یک جمله مرکب و دو جمله ساده. زمان بند پایه در جمله مرکب گذشته و زمان بند پیرو حال است. زمان دو جمله ساده دیگر نیز حال است. آمیختگی زمان حال و گذشته در یک جمله مرکب جالب توجه است. طبق تحلیل پراکفیا استفاده از فعل زمان گذشته برای اشاره به عمل خودکشی بیانگر تصمیم قطعی نویسنده بر عملی کردن قصد خود است و استفاده از زمان حال نشان می‌دهد خودکشی در حال انجام است.

از نظر بخش‌های چهارگانه حاضر در یک یادداشت خودکشی و بیان واپسین احساسات این نکات قابل ذکر است:

یادداشت مخاطب خاصی ندارد، بنابراین بخش اول که اشاره به مخاطبی خاص است، در آن دیده نمی‌شود. دلیل اقدام به خودکشی در یادداشت به صراحت بیان شده است. جالب توجه است که یادداشت با واژه "چون" شروع می‌شود، گو این که دقیقاً پاسخی است به این سوال که چرا خودکشی؟ "چون بدنم حس ندارد هیچ کاری بکنم". بعلاوه، جمله پیرو مقدم بر جمله پایه بیان شده است و به نظر می‌رسد ذکر دلیل خودکشی مقدم بر عمل خودکشی است. بنابراین بخش مقدمه (بیان دلیل خودکشی) به وضوح و صراحت بیان شده است. بخش بدنه/ نقطه اوج یک یادداشت که اشاره به عمل خودکشی است با عبارت "خودم راکشتم" بیان شده است. تنها در نقطه اوج یادداشت است که فعل در زمان گذشته به کار می‌رود. بخش

نتیجه نیز با دو جمله ساده در زمان حال بیان شده است: "از هیچکس شکایتی ندارم مرا حلال کنید". عبارت "از هیچ کس شکایتی ندارم" به نوعی مسئولیت خودکشی را متوجه خود فرد می کند. ظاهراً با گفتن این جمله کسی به عنوان عامل خودکشی مورد سرزنش قرار نمی گیرد. استفاده از جمله "مرا حلال کنید" که پایان بخش این یادداشت است، باری مذهبی نیز دارد؛ نوعی طلب بخشش گناهان قبل از رفتن به دنیای دیگر. جالب توجه است که در این یادداشت بر خلاف یادداشت اول هیچ احساس خشمی به چشم نمی خورد. در واقع بیشتر نوعی احساس آسودگی و آرامش منتقل می گردد.

تا این قسمت تحلیل را با این فرض پیش بردیم که یادداشت مذکور واقعی است و به دنبال پیدا کردن انگیزه ها و احساسات نهفته در آن و بررسی اجزاء تشکیل دهنده آن بودیم. اما با توجه به اینکه فرض خودکشی در مورد پرونده دوم با تردیدهایی همراه بود، در ادامه این بخش، تحلیل یادداشت را با این فرض پیش می بریم که غیر واقعی است. در این صورت به این می پردازیم که یک تحلیلگر به چه نکاتی باید توجه کند تا غیر واقعی بودن آن را مورد بررسی قرار دهد.

همانطور که پیشتر اشاره گردید، متن یادداشت تنها از نظر دست خط مورد تحلیل قرار گرفته بود. با توجه به این که طبق درخواست فرزندان متوفی پرونده بسته شده بود و سایر متون منسوب به متوفی در پرونده موجود نبود، امکان تحلیل مقایسه ای وجود نداشت. با این حال چنانچه امکان مقایسه این متن با دو دسته متن دیگر (یعنی متون منسوب به متوفی و متونی که از افراد مظنون گرفته می شد) وجود داشت، نشانگرهای زیر می توانستند راهنما باشند:

۱- وجود غلط املائی: واژه هیچ در این متن یک بار به صورت "هیچ" و یک بار به صورت "هیچ" به کار رفته بود.

۲- فعل "بکنم" با پیشوند ب- به کار رفته است. گونه دیگر کاربرد این فعل بدون پیشوند ب- است. می توان چگونگی کاربرد این فعل را در سایر متون منسوب به متوفی یا متون نوشته شده توسط افراد مظنون بررسی کرد.

۳- سطح تحصیلات متوفی در پرونده دقیقاً مشخص نشده بود، اما بنا به اظهارات بازپرس پرونده متوفی تحصیلات قدیمی داشته است. در مورد کاربرد عبارت "مرا حلال کنید" این

سؤالات را می‌توان طرح کرد: شخصی با این میزان تحصیلات برای بیان مفهوم مذکور از کدام یک از صورتهای زیر استفاده می‌کند؟

مرا حلال کنید

من را حلال کنید

منو حلال کنید

حلالم کنید

حلال کنید

می‌توان چگونگی کاربرد "ضمیر مفعولی + را" را در سایر نوشته‌های متوفی و مظنونین<sup>۱۱</sup> پرونده مورد مقایسه قرار داد. از سوی دیگر می‌توان به طور کلی بررسی کرد که در جمعیت نویسندگان فارسی زبان این گونه‌ها چگونه به کار می‌روند.

۴- بین غلط املائی موجود در جمله اول یادداشت (هیچ) و عبارت "مرا حلال کنید" نوعی عدم همخوانی دیده می‌شود. آیا شخصی که مرتکب غلط املائی مذکور می‌شود می‌تواند از عبارتی که در گونه‌های افراد تحصیلکرده به کار می‌رود استفاده کند؟ به عبارت دیگر، آیا شخصی که مرتکب چنین غلط املائی می‌شود میزان تحصیلاتش در حدی هست که از صورت "مرا" استفاده کند؟ ممکن است برای پاسخ به این سوال نیاز به مراجعه به پیکره‌های زبانی یا نمونه‌گیری زبانی داشته باشیم.

۵- چگونگی کاربرد یای نکره در عبارت "از هیچ کس شکایتی ندارم" قابل توجه است. این عبارت می‌توانست به صورتهای دیگری مثل "از هیچ کسی شکایتی ندارم" یا "از هیچ کسی شکایت ندارم" به کار رود. در این مورد نیز کاربرد صورت «هیچ کس» در مقابل صورت «هیچ کسی» قابل تأمل است. در گونه‌های افرادی با تحصیلات کمتر کدام صورت پربسامدتر است؟

۶- تنها فعلی که در این متن با زمان گذشته بیان شده است فعل «کشتن» است. در این مورد چنانچه پیکره‌ای از یادداشتهای خودکشی فارسی‌زبانان موجود بود، امکان بررسی و مقایسه وجود داشت که در یادداشتهای خودکشی در زبان فارسی اشاره به فعل کشتن (که قرار

۱۱- این پرونده در ابتدای رسیدگی دو مظنون داشت.

است در آینده نزدیک اتفاق بیفتد) بیشتر با چه زمانی صورت می گیرد و آیا بیان آن به صورت گذشته ساده اهمیت خاصی دارد؟

در پرونده مذکور به هیچ یک از این سؤالات پرداخته نشده بود و بنا به درخواست فرزندان متوفی پرونده بسته شده بود. اما برای حل پرونده هایی مبهم شبیه این پرونده که تشخیص واقعی بودن یا جعلی بودن یادداشت اهمیتی حیاتی دارد، تحلیل‌های زبانی قطعاً ضرورت دارند. چنانچه در مراحل رسیدگی به این پرونده، این یادداشت و متون مرتبط به این پرونده توسط یک زبان‌شناس تحلیل می گردیدند، قطعاً برخی از نکات مبهم پرونده روشن تر می شدند.

### یادداشت سوم:<sup>۲۱</sup>

نان از تو فریزر برداری خواهر جان  
از دست .... خودکشی کردم

متن از دو جمله تشکیل شده است و دارای دوازده واژه است. مخاطب نامه مشخص است، در این یادداشت کوتاه نیز علت خودکشی بیان شده است. به عمل خودکشی با فعل زمان گذشته اشاره شده است. همان طور که در مورد یادداشت اول هم ذکر شد عبارت "از دست ... " بیانگر احساس خشم گوینده نسبت به شخصی است که به اعتقاد نویسنده ی یادداشت باعث خودکشی وی شده است. در این یادداشت نیز همچون یادداشت دوم به عمل خودکشی مستقیماً اشاره شده است و کاربرد فعل زمان گذشته بر قصد حتمی نویسنده تأکید دارد. این یادداشت علاوه بر ذکر دلیل خودکشی، حاوی دستورالعمل برای مخاطب نیز می باشد. در مجموع در این متن دوازده واژه ای از بین مولفه های چهارگانه پروکفیوا سه مولفه در متن حاضر است.

### یادداشت چهارم:

۲۱ با توجه به عدم دسترسی به جزئیات پرونده ی یادداشتهای سوم و چهارم، تنها متن یادداشتهای آنها ارائه می گردد.

بابا ازت متنفرم  
 من مر[د؟]م راحت شین  
 ... از[ت] متنفرم ...  
 منو مجبور به ازدواج  
 کردن همه راحت زندگی

این یادداشت از پنج جمله (جمله آخر فاقد فعل است) و هفده واژه تشکیل شده است. مخاطبان یادداشت مشخص اند، واپسین احساسات نویسنده که تنفر است به صراحت بیان شده است. همراه با احساس تنفر بیان عبارت "...راحت شین" احساس خشم را نیز منتقل کرده است. فعل بعد از ضمیر من در متن یادداشت به شکل "مرم" نوشته شده است. مشخص نیست نویسنده قصد نوشتن "مردم" را داشته است یا "میرم"؛ در هر دو صورت به عمل خودکشی اشاره شده است اما در مورد زمان فعل نمی توان اظهار نظر کرد. علت خودکشی در این یادداشت نیز بیان شده است. ملاحظه می گردد این متن کوتاه نیز سه مولفه از مولفه های چهارگانه مورد بررسی را در خود دارد.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر پس از معرفی انواع تحلیل های زبانی صورت گرفته روی یادداشت های خودکشی به صورت کمی و کیفی به بررسی موردی چهار نمونه یادداشت کوتاه خودکشی در زبان فارسی پرداخت. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت دسترسی به یادداشت های خودکشی تنها چهار نمونه یادداشت کوتاه در این مقاله به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

یادداشت اول تنها از پنج واژه تشکیل شده بود، اما با همان ۵ واژه دقیقاً علت خودکشی و احساس خشم نسبت به کسانی که به گمان نویسنده علت خودکشی وی بودند بیان شده بود. یادداشت مذکور فاقد فعل و زمان بود و ترکیب "از دست" در ابتدای عبارت نشانگر خشم فرد نسبت به مادرشوهر و پدرشوهر و مقصر دانستن آنها بود.

یادداشت دوم را با دو فرض تحلیل کردیم. فرض اول این بود که یادداشت واقعی است و توسط متوفی نوشته شده است. همانطور که ذکر شد متن شامل ۱۸ واژه و سه جمله بود: یک

جمله مرکب و دو جمله ساده. زمان بند پایه در جمله مرکب گذشته و زمان بند پیرو حال و زمان دو جمله ساده دیگر نیز حال بود. طبق تحلیل پراکفیوا استفاده از فعل زمان گذشته برای اشاره به عمل خودکشی بیانگر تصمیم قطعی نویسنده بر عملی کردن قصد خود است و استفاده از زمان حال نشان می دهد خودکشی در حال انجام است. دلیل خودکشی با حرف ربط "چون" به صراحت بیان شده بود. از نظر بخش های چهارگانه حاضر در یک یادداشت نیز دیدیم به جز بخش مقدمه ( نداشتن مخاطبی خاص)، سایر اجزاء یک یادداشت در آن حاضر بود. تنها فعل زمان گذشته در یادداشت در بخش اوج/ بدنه یادداشت بود که به عمل "کشتن خود" اشاره می کرد. در این یادداشت بر خلاف یادداشت اول که بیانگر حس خشم و سرزنش بود، هیچ احساس خشمی به چشم نمی خورد و در واقع بیشتر نوعی احساس آسودگی و آرامش منتقل می گردد.

تحلیل این یادداشت را با فرض دومی ادامه دادیم که اگر این یادداشت توسط متوفی نوشته نشده باشد، با طرح چه سوالاتی می توان به رفع ابهام از این پرونده کمک کرد و ابعاد تاریک آن را به کمک تحلیل های زبانشناسی روشن تر نمود. در هر حال، قضاوت در مورد این که این یادداشت واقعی است یا ساختگی به خوانندگان واگذار می شود.

یادداشت کوتاه سوم نیز که تنها دوازده واژه داشت دارای سه مولفه از چهار مولفه پروکفیوا بود: مخاطب، بیان علت خودکشی و اشاره به عمل خودکشی که همان نقطه اوج یادداشت است. در آخرین یادداشت مورد بررسی نیز که هفده واژه داشت مولفه های مخاطب، بیان علت خودکشی و بدنه/ اوج خودکشی دیده می شود. در مجموع هر چهار یادداشت مورد تحلیل وجه اشتراکشان ذکر دلیل خودکشی است. گو این که هدف اصلی نویسندگان از نوشتن یادداشت بیان علت خودکشی است و همان گونه که دیدیم در متون کوتاهی که بین پنج تا هفده واژه طول داشتند علت خودکشی با همین واژه های اندک بیان شده بود.

در پایان، با توجه به اهمیت تحلیل زبانشناختی این گونه یادداشت ها (برای مداخلات روانشناختی، اجتماعی و ...) چنانچه بتوان پیکره ای از متون خودکشی در جامعه ایران تهیه کرد و آن ها را از نظر ویژگی های زبانی مورد تحلیل قرار داد، می توان مرجع بسیار سودمندی برای پژوهش های میان رشته ای در حوزه های حقوقی، قضایی، روانشناسی، جامعه شناسی و ... فراهم آورد.

## کتابنامه

- ۱- مرادی سعداله و خادمی علی. ۱۳۸۱ "بررسی وضعیت خودکشی‌های منجر به مرگ در ایران و مقایسه آن با نرخهای جهانی". مجله علمی پزشکی قانونی ۱؛ ۸(۲۷): ۱۶-۲۱.
- ۲- Chaski, C.E. & Huddle, D. 2012: "Is This a Real Suicide Note? Authentication Using Statistical Classifiers and Computational Linguistics." *Proceedings of the American Academy of Forensic Sciences*. Volume XVII: 439.
- ۳- Fernández-Cabana M.; Julio Jiménez-Féliz; María Teresa Alves-Pérez; Raimundo Mateos; Ignacio Gómez-Reino Rodríguez and Alejandro García-Caballero (2015) Linguistic analysis of suicide notes in Spain. *European Journal of Psychiatry*. vol.29 no.2
- ۴- Hendelman L. D , D. Lester. 2007. "The content of suicide notes from attempters and completers". *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, Vol 28(2), 2007, 102-104.
- ۵- Joiner, T. E., et al. 2002: Perceived burdensomeness and suicidality: Two studies on the suicide notes of those attempting and those completing suicide. *Journal of Social and Clinical Psychology* 21: 531-545.
- ۶- Joiner, T. (2005). *Why people die by suicide*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- ۷- Lester, D. (2008) COMPUTER ANALYSIS OF THE CONTENT OF SUICIDE NOTES FROM MEN AND WOMEN. *Psychological Reports: Volume 102pp*. 575-576
- ۸- Menninger KA. *Man Against Himself*. New York: Harcourt, Brace and Company; 1938. [[Google Scholar](#)]
- ۹- Olsson, John (2004) *Forensic linguistics, an introduction to language, crime and law*. London, New York: Continuum.
- ۱۰- Osgood, C. E., & Walker, E. G. (1959). Motivation and language behavior: A content analysis of suicide notes. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, ۵۹, ۵۸-۶۷.
- ۱۱- Pestian, J., P, Matykiewicz P., Grupp-Phelan, J. 20۰۸: □□□□ □□□□□□ language processing to classify suicide notes. *Proceedings of the Workshop on Current Trends in Biomedical Natural Language Processing*. BioNLP: ۰۸:۹۶-۹۷,
- ۱۲- Pestian, P., Pawel Matykiewicz, Michelle Linn-Gust, Brett South, Ozlem Uzuner, Jan Wiebe, K. Bretonnel Cohen, John Hurdle, and Christopher Brew (2012). Sentiment Analysis of Suicide Notes: A Shared Task. *Biomed Inform Insights*. 2012; 5(Suppl 1): 3-1۶.
- ۱۳- Prokofyeva, T. 2013. *Language Use in Two Types of Suicide Texts*. Linköping University.
- ۱۴- URL <http://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:liu:diva-1۰۲۰۹۹>



- ۱۵- Shapero, J. The language of Suicide notes. (2011). University of Birmingham. Web address: <http://etheses.bham.ac.uk/1525/1/Shapero11PhD.pdf>
- ۱۶- Shneidman, E. S., & Farberow, N. L. (1957). *Clues to suicide*. New York: McGraw-Hill.
- ۱۷- Willimas, S. (2006). New Approaches to Preventing Suicide: A Manual for Practitioners. *Journal of psychiatric and mental health nursing*. Vol 13, issue 6.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## **Linguistic analysis of suicide notes, two case studies**

**Azam Estaji<sup>1</sup>**

**Associate Professor Department of Linguistics Ferdowsi University Of Mashhad**

**Received: 11/09/2020 Accepted:07/05/2021**

A suicide note is any kind of text that is left behind before a person commits suicide or intends to commit suicide. These texts have been analyzed by linguists and psychologists among others to get a better understanding of the suicide act. The present paper first reviews how these notes have been analyzed. In the second part of the paper, four Farsi suicide notes are presented and based on Prokofyeva (2013) are analyzed. According to her, a clear statement of reasoning should be present in genuine suicide notes either with a direct statement or an implied one. The 'clear statement' of why the suicide takes place is an integral part of almost every genuine suicide note Prokofyeva (2013) examined, as it is an aim of its author to explain why such a decision has been made. As for the structure of suicide notes, each note consists of the following components: a- Form of address (more often someone specific) b - Introduction) c- Culmination/body ( d - Conclusion/closing words (farewell; signature; post-scriptum; ). The analysis of Farsi notes which vary between 5 to 18 words, shows that all of them state clearly the reason for committing suicide and express their last feelings (the first note expresses anger and puts the blame on someone, the second note expresses relief and forgiveness while the last one expresses hatred.) Considering the four components of a note, the first note which is very short, only has the introduction component. Other notes which are longer, have three components: introduction, body, conclusion or form of address. The 'clear statement' of why the suicide takes place is common to all the short notes analyzed. This paper emphasizes on the need to build a corpus of Farsi suicide notes for future studies in this interdisciplinary area.

**Keywords:** suicide notes, linguistic content, qualitative analysis, clear reasoning